

انصاف

از صلح شفاف
که منتج به قطع جنگ شود
حمایت می کنیم

عبدالرب رسول سیاف، رئیس شورای حراست و ثبات افغانستان می گوید که این شورا از صلحی حمایت می کند که منتج به ثبات شود و آبروی مجاهدین در آن در نظر گرفته شود.



حامد کرزی
در نقش ستون
پنجم!

غلام حسین ناصری، عضو مجلس نمایندگان می گوید، شماری از مقامات حکومت قبلی و در راس آنان، «حامد کرزی» رئیس جمهور پیشین کشور، به جای این که اپوزیسیون باشد، به عنوان ستون پنجم عمل می کند.



اردوی ملی؛

از اعتماد ملی تا حمایت بین المللی

افغانستان به لحاظ امنیتی، یکی از دشوارترین مراحل خود را سپری می کند؛ در حالی که مأموریت تأمین امنیت به صورت کامل، بر عهده نیروهای امنیتی داخلی به ویژه اردوی ملی گذاشته شده و از آنسو به روایت مقام های امنیتی، دست کم ۲۲ گروه تروریستی، شدیدترین انواع حملات را علیه نیروهای امنیتی کشور، سازمان دهی می کنند. در صفحه ۲



یادداشت

چگونگی پاسداشت از ارزش های فرهنگی!

خبرگزاری آوا-سرویس تحلیل و پژوهش اخبار بعد از ختم جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، جهان دو قطبی خاتمه یافت، تلاشهایی از سوی ایالات متحده امریکا بویژه از زمان بوش پدر (۱۹۹۰) صورت گرفت که نبض قدرت جهان را در اختیار گیرد ولی این توفیق را حاصل نکرد و نتوانست هژمونی خود را بر کل جهان گسترش دهد.

با از میان رفتن جهان دو قطبی، جنگ و خشونت به جهان سوم انتقال یافت و این کشورها به انواع بلاها و مصیبت های جنگ گرفتار آمدند و تا هنوز هم درگیر هستند. کشورهای سرمایه داری غربی هم برای مصون ماندن از خشونت های ایجاد شده در جهان سوم و هم به نحوی تحت عنوان کمک های بشردوستانه خواهان کاستن از میزان خصومت ها در جهان سوم و در کشورهای مسلمان شدند.

استمرار کمک ها سبب شده است که کشورهای جهان سوم به صورت عموم و مسلمان ها بخصوص احساس نگرانی کنند و این ذهنیت بوجود آید که کمک های غربی نوعی فرهنگ را نیز در میان جوامع مسلمان ترویج می کند.

به سخن دیگر کمک های غرب می تواند ارزش های فرهنگی مسلمان ها را درگرو کند و فرهنگ غربی را جایگزین فرهنگ دینی مردم نماید.

با توجه به این که هم کمک های کشورهای غربی با خود نوعی فرهنگ می آورد که به نحوی به استحاله فرهنگی ملت های مسلمان می انجامد، از سوی دیگر نیرومندترین رسانه های بین المللی در دست و در اختیار کشورهای غربی است و از این طریق می توانند به استحاله فرهنگی در جهان سوم بپردازند.

هجوم فرهنگی غربی ها این ذهنیت را در میان مسلمان ها ایجاد کرده است که چگونه می توانند از بار این هجوم بکاهند و مردم را در برابر هجوم فرهنگی غرب واکنش دهند. برای محافظت کردن از ارزش های فرهنگی، اندیشه ها و راه حل هایی نیز پیشنهاد شده و تدابیری هم اتخاذ شده است.

یکی از راه هایی که مد نظر صاحب نظران قرار گرفته آنست که باید حتی المقدور تدابیری سیاسی اندیشیده شود تا راه نفوذ فرهنگی کشورهای غربی سد شود، و آن کشورها ارزش های فرهنگی خود را در قالب و قیافه کمک های بشر دوستانه به خورد مردم ندهند.

این راه مقابله را می توان به ایجاد مانع سخت افزاری تعبیر کرد که در جای خود می تواند موثر بوده و کار برد داشته باشد.

اما همه دشواری ها به مقابله سخت افزاری ختم نمی شود این راه و شیوه در جاهایی کاربرد می تواند داشته باشد که حکومت های مستقل و استواری وجود داشته و نهادهای فرهنگی هر کدام به سهم خود کار کرده و تولیدات مناسب و منظم را داشته باشند، تاریخ فرهنگی آن کشورها به صورت منظم و مرتب تدریس و بازخوانی شود، نهادهای سیاسی یا حکومت با بکار بستن محدودیت ها از نفوذ فرهنگی کشورهای ثروتمند سرمایه داری جلوگیری کند.

اما مانع در راه تغییر ارزش های فرهنگی در جامعه ای مثل افغانستان چگونه میسر است و چگونه می توان از ورود ارزش های فرهنگی غربی در جامعه جلوگیری کرد؟

با توجه به این که از یک سوی فقر، بیکاری و صدها مصیبت دیگر کشور را نیازمند و محتاج کشورهای غربی ساخته و از طرف دیگر، امنیت که از اساسی ترین ارزش های یک جامعه است ... ادامه در صفحه ۲

مذهب، نقابی بر روی ناکامی های سیاسی

سیدمظفر دره صوفی

عربستان سعودی روابط سیاسی خود را با ایران قطع کرد، به تبعیت از حاکمان سعودی برخی کشورهای کوچک دیگر نیز روابط سیاسی خود را با تهران به حال تعلیق در آوردند.

در قطع روابط سیاسی سعودی و تهران گفته شده است که سعودی ها می خواهند کشور های سنی مذهب را به گرد خود فراهم آورده و یک جبهه وسیع ضد شیعی تشکیل دهد. اعلام و یا القای این موضع برای کسانی که پشت دیوار تعصب های مذهبی موضع گرفته اند بسیار خوش آیند و مطلوب است و شاید عمل حاکمان سعودی را ستایش کنند که در قطع روابط خود با ایران پیشگام شد و در راه ایجاد یک مرکزیت سنی گام برداشت.

سعودی ها از طریق رسانه های خود و برخی رسانه های غربی درصدد القای همین مفهوم هستند، گویا می خواهند این ذهنیت را ایجاد کنند که ایران به عنوان یک کشور شیعی نمی خواهد با عربستان سعودی روابط نیک داشته باشد. اما واقعیت چیزی دیگری است.

به نظر می رسد که شهادت شیخ نمر و قطع روابط ریاض با تهران برای مقصد دیگری صورت گرفته و می گیرد و آنچه گفته می شود بهانه و سرپوشی است که بر روی مقاصد اصلی سعودی ها نهاده می شود. آنچه عربستان سعودی را به این سیاست وا داشته است چند مسئله است که به صورت موجز به آن اشاره می گردد.

یک، عربستان سعودی یکی از کشورهای ثروت مند، اما در عین حال استبدادی در خاورمیانه است؛ این رژیم از ساختار حکومتی کهنه و فرتوتی برخوردار است. آنچه که این رژیم را از تیر رس نقدهای منتقدان بین المللی در امان نگاه داشته است، نفت ارزانی است که در اختیار کشورهای غربی قرار می دهد. این رژیم به نقض سیستماتیک حقوق بشر مبادرت می ورزد؛

هر سال ده ها شهروند این کشور به جرم های واهی سربریده می شوند. زنان در عربستان سعودی از کمترین حقوق شهروندی برخوردار نیستند، حتا صداهایی که از درون کاخ سلطنت به صفحات اجتماعی درز می کند، از وضعیت اسفبار زنان وابسته به دربار سعودی خیر می دهند.

دیدن این وضعیت تحمل ناپذیر و زبان در کام کشیدن و کتمان این واقعیت های تلخ و دردناک، برای حکومت های غربی حامی حکومت سعودی و نهادهای بین المللی حقوق بشر سخت و آزار دهنده است، تا

چند مدت و تا چند سال می توانند واقعیت ها را از انظار مردم پنهان کنند و به مردم دروغ بگویند. چگونه به مردم دنیا می خواهند توضیح دهند که یکی از کشورهای عضو سازمان ملل متحد کمترین اعتنایی به مفاد منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد نمی کند.

اگر روند به همین صورت ادامه داشته باشد، کشورهای غربی و نهادهای بین المللی ناگزیر اند که در برابر حق کشی این حکومت جابر موضع گیری کنند تا جایگاه مناسب خود را در میان کشورهای جهان حفظ کنند.

وقتی کثیری از کشورهای جهان مشاهده کنند که نهادهای بین المللی حقوق بشر در برابر نقض صریح حقوق بشر از طرف حاکمان سعودی سکوت می کنند، این ذهنیت را تقویت می کند که نهادهای بین المللی، نقض حقوق بشر را دست مایه فشار علیه برخی کشورها قرار می دهد و در نتیجه از اعتبار آن نهادها به شدت کاسته می شود.

لذا تداوم وضعیت کنونی در عربستان سعودی با واکنش منفی جهان مواجه خواهد شد و حکومت سعودی با درک جایگاه منززل خود گامی فرا پیش گذاشته تا بتواند بر این وضعیت آشفته سرپوش بگذارد و توجه جهان را به سوی دیگری معطوف دارد.

شهادت شیخ نمر و قطع رابطه با ایران حداقل این شرایط را بوجود آورده است که حکومت سعودی از سوی مجامع جهانی، نفس راحتی بکشد، و توجه ها را به سوی قطع رابط با ایران و نتایج حاصل از آن معطوف دارد.

قطع رابطه با ایران از میزان التهاب جهان نسبت به شهادت شیخ نمر نیز کاسته و کشورهای غربی به این نکته توجه کرده اند که صف بندی های جدید سیاسی با محوریت عربستان سعودی و ایران خشونت هایی جدیدی را در خاورمیانه نیافریند.

دوم؛ به نظر می رسد که قطع رابطه با ایران، دست حاکمان سعودی را در ایجاد جو خفقان بیشتر باز می گذارد و سبب می شود که منتقدان این رژیم استبدادی میدان نقد منتقدان خود را به بهانه طرفداری از ایران بیشتر محدود کند و صداهای منتقدان و عدالت جوین اعم از شیعه و سنی هم چنان خفه و خفته بماند.

سوم، عربستان سعودی از اوایل امسال با تجاوز آشکار به خاک یمن، آن کشور فقیر را مورد تجاوز هواپیماهای جنگی خود قرار داده و نزدیک به شش ماه است که ... ادامه در صفحه ۳

دو فرمان تقنینی به دلیل نبود نصاب مجلس از تصویب باز ماند



دو فرمان تقنینی رئیس جمهور در جلسه روز دوشنبه مجلس نمایندگان به دلیل عدم تکمیل نصاب از تصویب باز ماند.

به گزارش خبرگزاری آوا، مجلس نمایندگان روز گذشته برای بار دیگر به دلیل عدم تکمیل نصاب نتوانست به وظیفه خود به خوبی عمل کند و دو فرمان تقنینی ریاست جمهوری در این جلسه از تصویب بازماند.

این در حالیست که مجلس نمایندگان در آجندای کاری دیروز خود دو فرمان تقنینی شماره ۶۹ و ۷۱ ریاست جمهوری مبنی بر طرح قانون انرژی هسته ای و طرح قانون آفت کش های زراعتی را داشت که به گفته اعضای کمیسیون محیط زیست و منابع طبیعی این مجلس هیچ مورد اختلافی در این دو فرمان نبوده و تنها نیاز به رای گیری داشته است.

این در حالی است که تنها چند روز اندک به آغاز رخصتی های زمستانی شورای ملی باقی مانده و به گفته برخی وکلا، کارهای زیادی هنوز باقی مانده که باید قبل از رخصتی ها انجام شود.

طرح قانون انرژی هسته ای در ۱۱ فصل و ۵۷ ماده و طرح قانون آفت کش های زراعتی در ۶ فصل و ۳۰ ماده ترتیب شده که به گفته اعضای کمیسیون مربوطه، هیچ مورد اختلافی و نظر مخالفی در جلسات کمیسیون های مجلس در دو فرمان نبوده است.

این در حالی است که مجلس نمایندگان بارها به دلیل نبوده نصاب، این مجلس با مشکل رو به رو شده و نتوانسته کار خود را به خوبی به پیش ببرد.

غلام حسین ناصری عضو این مجلس عدم تطبیق اصول وظایف داخلی و قانون را دلیل اصلی برای ناکامی های مجلس می داند و بار بار بر این نکته تاکید کرده است.

اردوی ملی؛ از اعتماد ملی تا حمایت بین المللی

یک سال پس از پایان مأموریت جنگی ناتو در افغانستان، ناتو درباره توان و آمادگی عملیاتی اردوی ملی افغانستان ابراز تردید کرده است. در یک گزارش محرمانه این سازمان که مجله اشپیگل آلمان منتشر کرده آمده است که نبود رهبری درست و شدت جنگ‌ها سبب افزایش ۴۲ درصدی تلفات این نیروها و فرار سربازان اردوی ملی از وظیفه شده است.

در این گزارش آمده است که با وجود سرمایه گذارهای هنگفت جهانی به منظور افزایش توانایی های اردو، به سختی می توان روی آمادگی و کارآمدی این نیروها حساب کرد.

به باور ناتو، اردوی ملی افغانستان یک سوم نیروهایش را در میدان های جنگ یا از دست داده و یا هم این نیروها فرار کرده اند.

کارشناسان مسایل امنیتی می گویند که اگر ادعاهای مطرح شده در این گزارش درست باشد، اردوی ملی که اصلی ترین استوانه دفاعی کشور محسوب می شود، شرایط بسیار سخت و ناامیدکننده ای دارد. این در حالی است که افغانستان به لحاظ امنیتی، یکی از دشوارترین مراحل خود را سپری می کند؛ در حالی که مأموریت تأمین امنیت به صورت کامل، بر عهده نیروهای امنیتی داخلی به ویژه اردوی ملی گذاشته شده و از آنسو به روایت مقام های امنیتی، دست کم ۲۲ گروه تروریستی، شدیدترین انواع حملات را علیه نیروهای امنیتی کشور، سازمان دهی می کنند.

با این حساب، اگر محتوای این گزارش تأیید شود، آینده بسیار خطرناکی در انتظار افغانستان، نیروهای امنیتی و مردم خواهد بود. با این حال، دولت وزیری؛ سخنگوی وزارت دفاع ملی در واکنش به این گزارش گفته است: «من این گفته‌ها را رد می‌کنم. ما می‌پذیریم که شدت جنگ افزایش یافته است؛ اما نمی‌پذیریم که نیروهای ما فرار می‌کنند و یا درست مدیریت نمی‌شوند.»

کارشناسان هم ابراز امیدواری می کنند که اظهارات سخنگوی وزارت دفاع، درست باشد و یافته های ناتو بی بنیاد؛ اما امیدواری صرف هم چیزی را تغییر نخواهد داد. به باور کارشناسان، وزارت دفاع باید تدابیر ویژه و گسترده ای را برای تقویت نیروهای امنیتی اردوی ملی، روی دست گیرد.

از تمام پتانسیل های ملی و بین المللی باید در راستای تقویت اردوی ملی استفاده شود.

به باور آگاهان، حتی اگر یافته های ناامیدکننده ناتو هم نادرست باشد، در این شکی وجود ندارد که نیروهای اردوی ملی، نیازمند حمایت های وسیع بین المللی و اعتماد و همکاری ملی هستند.

این دو شاخصه در کنار هم می تواند به تقویت و قدرت گیری اردوی ملی و غلبه آن در میدان های نبرد با تروریسم منجر شود و این یک نیاز راهبردی و حیاتی می باشد.

در گزارش ناتو آمده است که از میان ۱۰۱ واحد پیاده نظام موجود در افغانستان، تنها یک واحد «آماده برای

نبرد» دسته بندی شده است. این به باور کارشناسان، یک تهدید جدی برای آینده اردوی ملی است.

از سوی دیگر، جنرال جان کمبل؛ فرمانده کل نیروهای خارجی در افغانستان در این گزارش از ناکارآمدی‌ها به ویژه در بخش های جنوبی افغانستان یادآوری کرده است؛ جایی که پایگاه‌های سنتی طالبان شناخته می‌شود.

دارد؛ زیرا اگر واقعی باشد یا غیر واقعی، در هر دو صورت تهدیدی علیه اردوی ملی و نیروهای مسلح کشور است. اگر واقعی باشد نشان از یک فرسایش هولناک دارد که باید به سرعت از آن جلوگیری شود و اگر غیر واقعی باشد، بازهم تهدید محسوب می شود؛ چون موجب تضعیف روحیه نیروها می شود و از نظر تبلیغاتی یک اقدام همراه با سوء نیت شمرده می شود و آشکارا در



بربنیاد گزارش ناتو در سال ۲۰۱۵ روزانه ۲۲ سرباز اردوی ملی در رویارویی با مخالفان مسلح دولت جان شان را از دست داده اند و در یکسال نزدیک به ۸ هزار نیروی اردو کشته و یا زخمی شده اند که این آمار افزایشی ۴۲ درصدی را در مقایسه با سال قبل نشان می دهد.

کارشناسان می گویند که این آمار اگر واقعی است یا غیر واقعی، هر دو مورد نیاز به اثبات و احراز

به ولایت‌های هلمند، قندهار، کابل و بلخ سفر کرده‌ام و با مسؤولان ارتش ملی در شمال کشور ملاقات کرده‌ام» گفت که «یافته‌های ما نشان می‌دهد که نیروهای امنیتی افغان از توانایی خوبی برخوردار اند.» جنرال هانس لوتار دومروس افزود: «نیروهای افغان را بسیج می‌کنیم آنها را از نظر تجهیزات کمک می‌کنیم. هواپیماهای بی‌سرنشین در دسترس شان قرار می‌دهیم، آنها را کمک هوایی می‌کنیم و آموزش می‌دهیم تا آنها بتوانند طالبان را نابود کنند.»

وی ادامه داد: «هرچند طالبان دچار اختلاف درونی شده اند این برای آنها یک نقطه ضعف است که ما آن را حمله سرخ بالای سرخ می‌نامیم. تصور ما این است که وضعیت امنیتی بهتر می‌شود.»

آگاهان می گویند که مواضع این فرمانده ناتو آشکارا در تقابل با مفاد گزارش این سازمان قرار می گیرد که در بالا به آن پرداخته شد.

این مواضع دوگانه می تواند یکی از دو معنی را داشته باشد: یا آنچه مقام های ناتو در ظاهر می گویند با آنچه در عمل جریان دارد و آنها در گزارش های محرمانه خود بازتاب می دهند تفاوت دارد و در نتیجه، وضعیت امنیتی کشور و نیروهای مسلح افغانستان مطلوب نیست و یا مقام های ناتو نیز در ارزیابی های شان از وضعیت امنیتی و توان نیروهای دفاعی کشور، دچار اشتباه و سر درگمی شده اند.

در هر صورت، به نظر می رسد اکنون زمان آن فرارسیده که ناتو به

تعهدات خود در تجهیز و تقویت نیروهای امنیتی کشور به ویژه فعال کردن نیروهای هوایی، عمل کند.

فرمانده آموزشی، مشورتی و حمایت قاطع ناتو در شمال کشور نیز از توانایی نیروهای امنیتی افغان ستایش می‌کند و می‌گوید هرچند شرایط امنیتی افغانستان بسیار پیچیده است؛ اما ارتش افغانستان توانسته کارکردهای در خور ستایشی داشته باشد و از فعالیت های هراس افکنان جلوگیری کند.

جنرال هارتموت رینک گفت: «نیروهای دفاعی افغانستان مسلکی و توانمند شده‌اند. آنها کارها را به وجه احسن انجام می دهند، ما از کارکردهای این نیروها راضی هستیم و فعالیت‌های مشترک داریم. مردم باید به نیروهای امنیتی خود افتخار کنند. در هفته گذشته در مزار شریف این نیروها کارکرد بسیار خوبی داشتند و توانستند که فعالیت هراس افکنان را مهار کنند و امیدوار هستیم که همینگونه موفقانه پیش بروند.»

کارشناسان هم می گویند که صرف نظر از ارزیابی ها و اظهارات ضد و نقیض خارجی ها، تا آنجا که به نیروهای امنیتی کشور مربوط می شود آنها وظایف میهن پرستانه خویش را با صداقت، شجاعت و تعهد کامل انجام داده اند و از این منظر، شایسته ستایش و تکریم و تقدیر اند؛ اما این به معنای سلب مسؤولیت از رهبری قوای مسلح و متحدان خارجی و همچنین مردم در تجهیز، ساماندهی، تقویت، حمایت و اعتماد به نیروهای امنیتی نیست.

چگونگی پاسداشت از ارزش های فرهنگی!

ادامه از صفحه اول / بدون حضور قوت های غربی حاصل نمی شود. در این صورت چگونه می توان مانع و سدی ایجاد کرد که بتوان فرهنگ اسلامی و شرقی را حفظ کرد. آنچه از همه مهم تر است این که، نسلی که در کوران جنگ و خشونت پرورده شده اند، نه از تاریخ خود آگاهی دارند و نه هم از ارزش های فرهنگی گذشته خود زیاد می دانند، چگونه می توان این نسل را از هجوم فرهنگی غرب حمایت کرد که تحت تاثیر القانات غربی ها قرار نگیرد؟

برخی اندیشه وران چنین می اندیشند که راه مقابله با نفوذ فرهنگی غرب بویژه در کشورهای همانند افغانستان که حکومت نمی تواند کاری انجام دهد و مانعی در راه کمک های غربی ایجاد کند تنها رویکردی

که می تواند موثر باشد، آگاهی یافتن از ذخایر تاریخی خود است. وقتی کشور و ملتی بدانند که دارای پستوانه عظیم فکری و فرهنگی است و بازخوانی آن متون می تواند نیازمندی های فرهنگی را رفع کند، یک جوان جهان سومی مسلمان کمتر رغبت می کند که به ارزش فکری فرهنگی غربی روی آورد و خود را از آن طریق ارضا کند. اما متأسفانه رویکرد بازخوانی تاریخ به عنوان یک کار اساسی فرهنگی کمتر مورد عنایت نهادهای فرهنگی بوده است که ضعف ها و کاستی های عمده ای در این زمینه وجود دارد. از دانشگاه های کشور که بگذریم که در طول مدت فعالیت خود چندان فعال نبوده اند. نهاد های فرهنگی نیز به کارهایی چندان عمیقی توجه نکرده اند.

به طور مثال در کابل نهاد فرهنگی به نام «انجمن قلم» وجود دارد که تا هنوز برخی مجموعه های شعری شاعران و یا داستان دانستان نویسان کشور را به چاپ رسانیده، و هر از گاهی نشست های فرهنگی نیز برگزار می کند. یکی از کارهایی که این انجمن در سالیان گذشته انجام داده تجلیل از برخی شخصیت های سیاسی جهان سوم چون «چگوارا» و «فیدل کاسترو» بوده است. نگارنده از تدویر کنندگان و تجلیل کنندگان آن نشست زمانی پرسیدم که شما وقتی از کاسترو تجلیل می کنید آیا می دانید که نقش منفی کیوبای کمونیست و شخص کاسترو در مبارزات مردم مسلمان افغانستان علیه شوروی چه بود؟ آن جوان متأسفانه نمی دانست که نیروهای کاسترو چه جنایت هایی را

در زمان اشغال شوروی انجام داده و مردم مومن افغانستان چه صدمه های سختی را از حضور ارتش کیوبا تحمل کرده است. این ها نمونه و مثال هایی کوچکی از ناآگاهی و نادانی جوانان ما است. وقتی نسل جوان از فرهنگ سخن می گویند نمی دانند که تاریخ فرهنگی شان کدام پستوانه را دارد، چگونه می توانند درباره ارزش های فرهنگی خو و دیگران داورى کند. وقتی مردم و ملتی از پستوانه های فرهنگی تهی و یا به آن پستوانه جاهل باشد، به سهولت تن به هر خفت و ذلت فرهنگی خواهد داد، و تصور می برد که آنچه از بیرون رسیده است بدیلی برای آن وجود ندارد. بنابراین اگر ملتی بخواهد در برابر هجوم فرهنگی غرب و یا هر

بیگانه ای دیگری مقاومت نشان دهد نخستین گام آنست که بدانند که در سابقه تاریخی خود چی دارد، و آنچه دارد می تواند بخشی از خلاهای فرهنگی او را پر کند یا نه؟ لذا تاریخ خوانی و تاریخ دانی و آگاهی نسبت به گذشته فرهنگی خود، یکی از راه موثر و مطلوب مقابله با فرهنگ بیگانه است. هر ملتی که از تاریخ خود بی خبر بوده، از ذخایر فرهنگی خود اطلاع نداشته و یا توجه لازم بدان مبذول نشده باشد خود را زودتر در باخته و جای را برای فرهنگ غرب خالی کرده اند. در جهان سوم هم ملت هایی که از آگاهی تاریخی برخوردار بوده کمتر آسیب دیده اند تا مردمی که جنگ و خشونت آنها را از بازخوانی متون فرهنگی تاریخی باز داشته است. ملتی بدون ذهنیت تاریخی

وقتی با دنیای پیرامون خود مواجه می شود، و با ذهنیت خالی به ارزش های فرهنگ وارداتی می نگرد زودتر خود را فراموش می کند چون از خود چیزی نمی داند تا به آن افتخار کند. لذا کشور هایی دارای ذهنیت تاریخی نبوده و از تاریخ فرهنگی خود بی اطلاع باشند، زودتر تحت تاثیر القانات قرار می گیرند، خود را در می بازند، تا ملتی که از گذشته خود می داند و آنرا بزرگترین تکیه گاه خود به حساب می آورد، اعتماد به نفس و خودباوری فرهنگی و ایستادگی در برابر هجوم فرهنگی وقتی موثر است که مردمی از بدانند که چه دارد. لذا آنانی که سخن از مصونیت فرهنگی می گویند باید تاریخدانی را جزئی از یک استراتژی کلان به حساب آورد و بر آن تکیه کند.

عبدالرب رسول سیاف:

از صلح شفاف که منتج به قطع جنگ شود حمایت می کنیم

عبدالرب رسول سیاف، رییس شورای حراست و ثبات افغانستان می گوید که این شورا از صلحی حمایت می کند که منتج به ثبات شود و آبروی مجاهدین در آن در نظر گرفته شود. آقای سیاف روز (دوشنبه) بعد از اولین نشست عمومی این شورا، به رسانه ها گفت که این شورا در اولین نشست خود روی مسئله صلح گفت و گو نموده است و قرار بر این شده که آنان از صلحی حمایت کنند که شفاف باشد و منتج به قطع جنگ در کشور شود.

او افزود: شورا از صلحی استقبال می کند که در آن استقلال و تمامیت ارضی افغانستان و آبروی مردم مجاهد در نظر گرفته شود. او هر چند حرف زدن روی صادق بودن پاکستان به تعهدات اش را قبل از وقت می داند اما با آنهم تاکید می کند که در صورت خلع ورزی «دهن مردم پلاستر» نشده است. در همین حال مسعود ترشتوال، سخنگوی شورای حراست و ثبات افغانستان روز گذشته در یک نشست خبری گفت که شورا از سرگیری مذاکرات صلح را به نفع مردم می داند؛ در صورتیکه این صلح به قطع بنیادین جنگ در کشور منتج شود.

آقای ترشتوال تاکید نمود که شورا فقط از صلحی حمایت می کند که در آن دو نقطه - مشارکت ملی و تعریف قاعده بازی - بسیار برجسته باشد. ترشتوال ادامه داد که همه مردم افغانستان از اول تا انتها بایستی در جریان همه مسائل و تصمیم گیری ها قرار داشته باشند و رعایت قانون اساسی، احترام به حاکمیت ملی افغانستان و توجه به منافع کشور، اولویت هایی است که باید در بحث صلح در نظر گرفته شود.

سخنگوی شورای حراست و ثبات افغانستان تاکید نمود که ما به هیچ وجه از صلحی که بدور از انظار عامه باشد حمایت نمی کنیم؛ چون این صلح مشکلات را به صورت دائمی آن حل نمی کند.

ترشتوال همچنان به تنش های موجود بین جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی اشاره نموده گفت: شورا بر این باور است که خیر و صلاح و مصالح امت اسلامی در محراق توجه سیاستگران و مدیران ارشد تصمیم گیر در کشور های اسلامی باشد. آقای ترشتوال افزود: که در این چارچوب شورا پیشنهاد می کند که کشور های ایران و عربستان سیاسی را دنبال کنند که منتهی به از بین رفتن تنش ها میان آنان شود. وی همچنان تاکید نمود که شورا، از هر نوع مصالحه و میانجیگری که به از بین رفتن تنش ها بین این دو کشور اسلامی منتج شود حمایت و استقبال می کند. این در حالی است که اکثر ممالک اسلامی به شمول ارگ افغانستان از موجودیت تنش میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی ابراز تأثر نموده و خواستار پایان دادن این تنش ها از طریق گفت و گو و مصالحه شده اند.

فرهنگی

مذهب، نقابی

بر روی ناکامی های سیاسی

ادامه از صفحه اول / نیروهای زمینی مزدور عربستان سعودی در خاک یمن می جنگند و بر رغم تلاش های فراوان نظامی، هنوز نتوانسته است پیروزی مهمی در جنگ بدست آورد.

بر عکس هر روز که می گذرد وضعیت سعودی ها در یمن آشفته تر می شود، مبارزان یمنی بر رغم محاصر زمینی و دریایی، هم سلاح و مهمات مورد نیاز خود را تهیه می کنند و حتا ولایات هم مرز سعودی را مورد حمله موشکی قرار می دهند. در جنگ یمن افزون بر آن که سعودی ها از نظر نظامی به هدف مهمی دست پیدا نکردند و از نظر سیاسی نیز شکست خورده و از نگاه روانی نیز در وضعیت نا مطلوب بسر می برد. کشوری که هژمونی کشورهای عرب منطقه را در سر می پروراند، و خود را در کانون و تصمیم گیرنده اصلی سیاست های خاومیانه می دانست، و خواهان پیروی سایر کشورهای عربی از سیاست خود بود، وقتی بدین سان شکست ها بی را تحمل می کند این معنا را افاده می کند که این کشور مدعی، ضعیف تر و حقیر تر از آنست که بتواند در محوریت کشورهای عربی و در کانون تحولات منطقه قرار گیرد یا آن که تحولات منطقه ای توسط این کشور مدیریت شود.

گرچه واقعیت کنونی از سوی مقام های عربی ابراز نشده ولی هیچ تردید نباید داشت که جنگ یمن شکوه پوشالی سعودی ها را بیش از پیش آشکار خواهد کرد و کشورهای عربی از گرد آن پراکنده خواهند شد. چهارم، شکست سیاست سعودی در سوریه برای حاکمان سعودی نیز سخت ناراحت کننده و دل آزار است حکومت سعودی می کوشد قطع رابطه با ایران را رنگ مذهبی بزند تا شکست خود را در سایه اختلاف مذهبی پنهان دارد.

اما آیا می توان با بکار بستن این گونه پرده ها خود و عملکرد ننگین خود را پنهان داشت؟

واقعیت های جهان و گسترش رسانه های بین المللی و آگاهی هایی که از حضور رسانه های گروهی ایجاد می شود، هم چنان سیر رو به رشد جهانی شدن که مرزهای ملی را بیش از پیش کمرنگ و آسیب پذیر می سازد، عربستان سعودی و حاکمان این کشور را مصئون نخواهد گذاشت. و پرده ریا کاری مذهبی از چهره حاکمان سعودی به یک سو خواهد رفت، واقعیت این رژیم پوشالی بیش از پیش آشکار خواهد شد.

این رژیم را بر سر دو راهی قرار خواهد داد یا تن به تغییر دهد، حقوق بنیادین بشری را به رسمت بشناسد، به حقوق زنان احترام نهد یا این که راهی زباله دان تاریخ شود. لذا وقت آن گذشته است که رژیم در لفافه و لوای مذهبی به کشورهای دیگر تجاوز کند، و حقوق شهروندان خود را نقض کند و به مردم خود به دیده بردگان بی حق بنگرد.

حامد کرزی در نقش ستون پنجم!

غلام حسین ناصری؛ عضو مجلس نمایندگان می گوید، شماری از مقامات حکومت قبلی و در راس آنان، «حامد کرزی» رئیس جمهور پیشین کشور، به جای این که اپوزیسیون باشد، به عنوان ستون پنجم عمل می کند.

به گزارش خبرگزاری آوا، وی گفت که صلح یک امر ضروری برای منطقه، مردم و دولت افغانستان است. او گفت که متاسفانه وضعیت امروزی به دلیل سیاست نادرست حکومت قبلی است که بارها شاهد رهایی مخالفان مسلح دستگیر شده و برخی کارهای دیگر بودیم.

آقای ناصری خطاب به آقای کرزی گفت، از او می خواهیم که در کنار نظام باشد و در سیاست ها نظام را کمک کند.

در عین حال شماری از نمایندگان مجلس با حمایت از پروسه صلح پاکستان تاکید کردند که پاکستان گفته لیست کسانی را که می خواهند در پروسه صلح اشتراک ورزند و کسانی را که نمی خواهند و می خواهند به جنگ ادامه دهند را ارائه می کند. زکریا سودا عضو مجلس نمایندگان در این مورد گفت، این مطلب نشان دهنده این است که پاکستان در این مورد نفوذ بسیار زیادی دارد. این در حالی است که شماری از اعضای این مجلس تاکید دارند که پروسه صلح باید با خانه ملت (شورای ملی) شریک ساخته شده و آنان در جریان باشند. قابل یادآوری است که گفت وگوهای صلح چهارجانبه افغانستان، پاکستان، چین و امریکا در پاکستان روز دوشنبه به کار خود آغاز کرده است.

نشست چهارجانبه گفتگو در مورد روند صلح افغانستان، روز دوشنبه، در شهر اسلام آباد پاکستان برگزار شد در این نشست نمایندگان از کشورهای افغانستان، پاکستان، امریکا و چین حضور داشتند.

حکمت خلیل کرزی؛ معین سیاسی وزارت خارجه افغانستان، اعزازاحمد چودری؛ معین وزارت خارجه پاکستان، ریچارد اولسن؛ فرستاده امریکا برای افغانستان و پاکستان و دینگ شیچون؛ نماینده ویژه چین برای افغانستان این نشست را رهبری می کردند.

شرکت کنندگان در پایان این نشست، بر تعهد کشورهای شان مبنی بر تحقق اهداف تصریح شده در اعلامیه نشست چهارجانبه که به تاریخ ۹ دسامبر ۲۰۱۵ در حاشیه کنفرانس قلب آسیا برگزار شده بود، مجدداً تاکید کردند.

هر چهار کشور همچنین بر اهمیت خاتمه بخشیدن به جنگ در افغانستان تاکید کردند.

افزون بر این، اشتراک کنندگان به ضرورت فوری گفتگوهای مستقیم میان نمایندگان حکومت افغانستان و گروه های طالبان در روند صلح که هدف آن حراست و حفظ وحدت، حاکمیت و تمامیت ارضی افغانستان خوانده نیز تاکید کردند.

محور بحث های هیات متذکره، انجام ارزیابی های واضح و واقع بینانه از فرصت ها برای صلح و آشتی در افغانستان، موانع و اقدامات پیش بینی شده که بتواند شرایط مساعدی را برای آغاز مذاکرات صلح با هدف مشترک کاهش خشونت و استقرار صلح دوامدار در افغانستان فراهم سازد، عنوان شد.

قرار است نشست های دیگری نیز در آینده برگزار شود. افغانستان امیدوار است اشتراک کنندگان این سلسله نشست ها به توافقی در مورد «نقشه راه» رسیدن به صلح دست یابند.

ظفر هاشمی؛ سرپرست دفتر سخنگوی ریاست جمهوری گفته است که یکی از اهداف اصلی دولت در این نشست ها توافق بر سر «مکانیزم تثبیت» است که بر اساس آن تعهدهایی که پاکستان در راستای صلح افغانستان می دهد، از سوی یک کشور سوم تثبیت (تضمین) خواهد شد.

کارشناسان هم با اشاره به همین اظهار نظرهای می گویند که نشست های چهارجانبه به یک معنا گفتگو برای سازش میان تصمیم گیرنده های اصلی صلح و جنگ در افغانستان است؛ زیرا به باور آنها

کشورهایی مانند امریکا، پاکستان و اخیرا نیز چین، از بازیگران اصلی عرصه صلح و جنگ افغانستان محسوب می شوند و به همین دلیل، کسب نظر مساعد آنها پیش از آغاز ه رنگونه گفتگویی با طالبان و دیگر گروه های ستیزه جو، مهم ترین تضمین موفقیت روند صلح است.

در همین حال به گفته برخی منابع، دولت افغانستان در تلاش است تا گفتگوهای صلح با سرعت بیشتری انجام شود و تا پایان ماه جاری میلادی، گروه های مسلحی که حاضر به شرکت در مذاکرات صلح هستند، از گروه های آشتی ناپذیر تفکیک شوند.

به گفته آقای هاشمی این مساله نیز از موضوعاتی است که در این نشست ها بر سر آن بحث و گفتگو خواهد شد.

افغانستان پیش از این نیز گفته است که در پی تفکیک این گروه ها از یکدیگر است و با تروریست هایی که حاضر به پیوستن به روند صلح نشوند، بر اساس یک تفاهم مشترک با پاکستان، امریکا و چین برخورد خواهد کرد.

با این حساب، کارشناسان می گویند که از نظر افغانستان، نشست های چهارجانبه، تنها برای تعیین نقشه راه صلح نیست؛ بلکه به منظور تعیین نقشه راه جنگ نیز خواهد بود.

دست کم، این چیزی است که افغانستان به دنبال آن است و باید باشد؛ اما اینکه دیگر طرف های شرکت کننده به ویژه امریکا و پاکستان نیز در قبال این انتظار، پاسخ مساعد خواهند داد یا نه، مساله ای است که هنوز به صورت جدی محل شک و تردید است؛ زیرا سوابق عملکرد دو کشور در زمینه مبارزه با تروریسم و سرکوب دهشت افکنی، چنین چیزی را ثابت نمی کند.

در همین حال، سرتاج عزیز؛ مشاور امنیت ملی و امور خارجی نخست وزیر پاکستان در مورد خوش بینی پیش از وقت

نشست اسلام آباد

نقشه راه صلح و نقشه

راه جنگ

چین از یکسال پیش و در پی سفر اشرف غنی به آن کشور، به عنوان یکی از بازیگران اصلی روند صلح، ظاهر شده است؛ اما نقش مؤثر این کشور در این روند به درستی مشخص نیست. چین روابطی نزدیک و راهبردی با پاکستان دارد و گفته می شود بر گروه طالبان نیز از نفوذ عمیقی برخوردار است؛ اما اینکه روابط متضاد امریکا و چین در بازی جنگ و صلح افغانستان چگونه قابل جمع هستند، مساله ای است که هنوز پاسخ روشنی برای آن وجود ندارد. نکته ای که باید توجه داشت این است که نمایندگان گروه های مسلحی که علیه دولت و مردم افغانستان می جنگند، به نشست اسلام آباد دعوت نشدند.



یکی دیگر از نگرانی های اصلی این است که گفتگوهای صلح با کدامیک از گروه ها صورت خواهد گرفت و اینکه آیا سرانجام حتی در صورتی که به گفته سرتاج عزیز «اعتماد» طالبان به دست آید و «مشوق هایی» نیز به آن گروه تفویض شود، صلحی برقرار خواهد شد یاخیر.

هشدار داده و بر ضرورت «ایجاد اعتماد» برای پیوستن طالبان به روند مذاکرات صلح تاکید کرده است. آقای عزیز در بیانیه افتتاحیه نشست اسلام آباد گفت که کشورش آماده «تلاش جدی» برای برقراری صلح پایدار و دائمی در افغانستان است.

او از کشورهای اشتراک کننده خواست تا برای تشویق طالبان به پیوستن به مذاکرات صلح، مشوق هایی به این گروه داده شود. آقای عزیز همچنین گفت که گفتگوهای صلح باید «مبتنی بر انعطاف پذیری و چند مرحله ای» باشد و در این روند از تعیین اهداف غیرواقع بینانه و ضرب الاجل خودداری شود. ناظران مسایل افغانستان می گویند که این اظهارات آقای عزیز نشان دهنده آن است که پاکستان با مواضع افغانستان در خصوص به نتیجه رسیدن سریع و در موعد مشخص این گفتگوها همسو نیست و این می تواند چالش و ابهامی در مسیر آینده این

فضایی به سختی می توان انتظار داشت که این روند، دست کم در آینده نزدیک به یک نتیجه مشخص و ملموس برسد. آینده درازمدت آن نیز کاملاً بستگی به حسن نیت، صداقت و انعطاف پذیری پاکستان و امریکا دارد. در غیر آن، انتظار تحول مهمی وجود ندارد.

از سوی دیگر، عبد رب الرسول سیاف؛ از رهبران جهادی پایه گذار شورای حراست و ثبات افغانستان در رابطه با گفتگوهای صلح گفته است: «هر صلحی که شفاف باشد، ملت در جریان تمام پروسه آن باشد، باعث پایان جنگ شود و استقلال افغانستان را به همراه بیاورد و عزت و آبروی مردم این کشور را در نظر بگیرد ما از آن استقبال می کنیم».

اما پرسش اساسی این است که آیا صلحی که با پیش شرط های پاکستان و امریکا و طالبان قرار است محقق شود، این موارد را تضمین کرده و به نگرانی های امثال سیاف پاسخ مناسب خواهد داد؟

در تحولی دیگر، هانگ لی؛ سخنگوی وزارت خارجه چین هم در همین رابطه گفته است: «چین می خواهد تا با تمامی طرف های شرکت کننده در این نشست برای ایجاد شرایط مناسب برای پیشبرد گفتگوهای صلح افغانستان کار کند و اما اصل حرمت گذاشتن به حاکمیت افغانستان از سوی تمامی طرف ها باید رعایت شود».

چین از یکسال پیش و در پی سفر اشرف غنی به آن کشور، به عنوان یکی از بازیگران اصلی روند صلح، ظاهر شده است؛ اما نقش مؤثر این کشور در این روند به درستی مشخص نیست. چین روابطی نزدیک و راهبردی با پاکستان دارد و گفته می شود بر گروه طالبان نیز از نفوذ عمیقی برخوردار است؛ اما اینکه روابط

متضاد امریکا و چین در بازی جنگ و صلح افغانستان چگونه قابل جمع هستند، مساله ای است که هنوز پاسخ روشنی برای آن وجود ندارد. نکته ای که باید توجه داشت این است که نمایندگان گروه های مسلحی که علیه دولت و مردم افغانستان می جنگند، به نشست اسلام آباد دعوت نشدند.

پیشتر جاوید فیصل؛ معاون سخنگوی ریاست اجرایی گفته بود که دولت پاکستان در این نشست، لیستی از نمایندگان طالبان که قرار است در گفتگوهای آینده صلح با افغانستان شرکت کنند، ارائه خواهد کرد.

برخی منابع از سراج الدین حقانی؛ معاون گروه طالبان، به عنوان یکی از نماینده های این گروه در دور تازه مذاکرات صلح نام برده بودند؛ اما روزنامه پاکستانی اکسپرس تریبون در شماره روز یکشنبه خود به نقل از «رهبران طالبان» نوشته است که این خبر صحت ندارد.

یکی از این «رهبران طالبان» که نامی از او برده نشده به اکسپرس تریبون گفته که آقای حقانی وقت کافی برای شرکت در هیچ نشستی را ندارد و «امارت اسلامی» نیز برنامه ای در این راستا ندارد.

گروه طالبان در ماه های گذشته به دو شاخه رقیب تقسیم شده است و این دو گروه در مناطق مختلف افغانستان با هم درگیر شده اند. افزون بر این به گفته وزارت دفاع افغانستان بیش از ۲۰ گروه تروریستی دیگر نیز در افغانستان فعال اند.

با این حساب، یکی دیگر از نگرانی های اصلی این است که گفتگوهای صلح با کدامیک از گروه ها صورت خواهد گرفت و اینکه آیا سرانجام حتی در صورتی که به گفته سرتاج عزیز «اعتماد» طالبان به دست آید و «مشوق هایی» نیز به آن گروه تفویض شود، صلحی برقرار خواهد شد یاخیر.

گفتنی است که دور دوم نشست چهارجانبه صلح میان افغانستان، پاکستان، امریکا و چین قرار است دوشنبه هفته آینده (۲۸ جدی سال روان خورشیدی مطابق ۱۸ جنوری ۲۰۱۶) در کابل برگزار شود.

گزارش

سفرهای پی در پی و فوق العاده ی مقامات سعودی به پاکستان

وزیر دفاع عربستان که با اهدافی مهم و حساس، به اسلام آباد سفر کرده است، بلافاصله پس از ورود به اسلام آباد در عصر روز یکشنبه، دیدار مهمی با فرمانده ارتش کشور میزبان انجام داد.

به گزارش خبرگزاری آوا، روابط عمومی ارتش پاکستان در اعلام خبر دیدار «محمد بن سلمان» با جنرال «راحیل شریف» که در مقر فرماندهی ارتش پاکستان در شهر راولپنڈی انجام شد، به انتشار بیانیه ای کوتاه و کلیشه ای اکتفا کرد و نوشت که دو طرف مسائل مربوط به امنیت منطقه و همکاری های دفاعی میان دو کشور را مورد بررسی قرار دادند.

این بیانیه هیچ اشاره ای به خواسته های وزیر دفاع عربستان از پاکستان نکرده و مطلبی درباره گفت و گوهایی دو طرف درباره موضوع ائتلاف تحت رهبری عربستان، که پاکستان ناخواسته عضوی از آن شده، گنجانده نشده است.

در بیانیه صادره از سوی ارتش پاکستان آمده است: جنرال راحیل شریف در این دیدار گفت که پاکستان روابطی نزدیک و برادرانه با عربستان و دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس دارد و اهمیت زیادی به امنیت این کشورها قائل است.

روابط دفاعی پاکستان و عربستان در بالاترین سطح است و هرگونه تهدید علیه تمامیت ارضی عربستان، پاسخ قاطع پاکستان را بدنبال خواهد داشت.

این بیانیه در واقع اعلام «موضع تکراری» پاکستان درقبال عربستان است. حدود ۱۰ ماه پیش که عربستان از پاکستان خواست تا به ائتلاف عربی حمله به یمن ملحق شود، ارتش و دولت پاکستان بارها اعلام کردند که هرگونه تهدید علیه تمامیت ارضی و حاکمیت ملی عربستان، واکنش و پاسخ کوبنده پاکستان را بدنبال خواهد داشت.

پاکستان با وجود اتخاذ مواضع ظاهرا سخت در حمایت از عربستان، عملا خود را از ماجرای یمن کنار کشید و در آن دخالت نکرد.

بیانیه ارتش پاکستان درباره دیدار یاد شده، همچنین شامل چند جمله از قول وزیر دفاع عربستان است: عربستان اهمیت زیادی برای پاکستان قائل است و از موفقیت های پاکستان در مبارزه با تروریسم و تلاش های این کشور برای ایجاد ثبات منطقه ای، قدردانی می کند ضمن اینکه عربستان از مواضع پاکستان در تمام زمینه ها بطور کامل حمایت می کند.

در جریان سفر روز پنجشنبه گذشته «عادل الجبیر» وزیر امور خارجه عربستان به پاکستان نیز، کنفرانس مطبوعاتی مشترک وی با «سرتاج عزیز» مشاور نخست وزیر پاکستان، در آخرین ساعات باقی مانده به برگزاری آن، لغو شد تا تنها شانس رسانه ها برای دسترسی مستقیم به اظهارات این مقام سعودی در اسلام آباد، از بین برود.

سکوت خبری حاکم بر سفرهای پشت سر هم و فوق العاده مهم و حساس وزیر امور خارجه و وزیر دفاع عربستان به پاکستان، باعث شده تا رسانه ها چاره ای جز اکتفا به بیانیه های کوتاه و کلیشه که از سوی نهادهای ذیربط دولت یا ارتش پاکستان صادر می شود، نداشته باشند.

این دو سفر مهم مقام های سعودی به پاکستان در شرایطی انجام شده است که عربستان به دلیل اقدام جنایتکارانه در به شهادت رساندن شیخ باقر النمر از سوی افکار عمومی و رسانه های پاکستان به شدت محکوم شده و جامعه جهانی نیز یکصدای این اقدام عربستان را شدیداً محکوم کرده و عربستان را متهم کرده است که با اهداف و اغراض سیاسی، اقدام به اعدام شیخ باقر النمر کرده است.

همچنین موضوع ائتلاف خود ساخته عربستان و نیز فشارهایی که این کشور عربی حوزه خلیج فارس علیه برخی کشورهای زیر دست خود برای دور کردن آنان از ایران آغاز کرده است، باعث شده تا سفرهای ساکت و خاموش و پی در پی مقامات سعودی به پاکستان، از اهمیت و حساسیت مضاعف برخوردار شود.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان مشوق فرار دختران از منزل

راجع می سازیم و ما طلاق هیچ کسی را در این دفاتر نگرفته ایم.

او هم چنین در مورد نقض حقوق بشر در جنگ های جاری در کشور نیز گفت، با تاسف هم از سوی مخالفان مسلح و هم از سوی نظامیان نقض قوانین جنگی صورت می گیرد.

او گفت، در جریان این جنگ ها از سال ۲۰۰۵ به این سو بیشتر از ۴۰ هزار فرد بی گناه در کشور کشته شده اند.

جنرال اصیل از اعضای دیگر این کمیسیون مستقل نیز که در این جلسه حضور داشت گفت، امسال سال سختی برای این کمیسیون بوده و در نقاط مختلف از جمله سقوط قندوز و حمله به اعضای این کمیسیون در جلال آباد و ... تعدادی از اعضای این کمیسیون کشته شده اند.

او افزود، کمیسیون نگران عدم برخورد حکومت با مرتکبین جنایات ضد بشری در افغانستان نیز است.

وی گفت، در دیدارهایی که از زندان های کشور داشته اند انواع مشکلات برای زندانیان را شاهد بوده اند که از آن جمله شکنجه زندانیان است.

وی گفت، ۲۸ هزار زندانی زندان های کشور در شرایطی به سر می برند که معیارهای آن با چالش رو به رو است.

او تصریح کرد، برخورداری از محاکمه عادلانه و رسیدگی درست به دوسیه های متهمان نیز با مشکلاتی دچار است.

آقای اصیل گفت، کمیسیون خواهان تطبیق پروتکول عدم شکنجه است.

او در مورد اظهارات دو نماینده مجلس سنا در باره تأثیرات نادرست دفاتر حقوق بشر در کشور گفت، این تصور می شود که ما مرجع طلاق باشیم، در حالی که هیچ کسی پیدا نخواهد شد که ما طلاق وی را

نیز گفت، دفاتر حقوق بشر در ولایات و برخی ولسوالی ها تبدیل به طلاق خانه شده و کوچکترین مشکل که قابل حل است، بزرگ جلوه داده شده و در این دفاتر به طلاق کشیده می شوند و از این وضعیت



گلالی اکبری عضو این مجلس می گوید که کارکردهای کمیسیون حقوق بشر

افغانستان تأثیر نادرستی روی مردم گذاشته و از جمله فرار دختران و پسران جوان بیشتر شده و موضوع طلاق نیز افزایش یافته است و بی اعتمادی میان اعضای فامیل ها نیز زیاد شده است.

سوء استفاده ها شده است.

در همین حال «شمس احمدزی» از اعضای کمیسیون حقوق بشر در مورد خشونت ها در کشور گفت، با تاسف خشونت ها در کشور به انواع متعدد آن همانند سابق وجود دارد.

پای «توتاپ» به پارلمان رسید

اعتراض باشندگان بامیان به تغییر مسیر پروژه توتاپ

قدرت و چوکی ها بین دو قوم خاص تقسیم شده و به دیگر اقوام هیچ توجهی نشده است.

او گفت، به هیچ عنوان این طور حکومت را قبول نداریم و به هیچ وجه در این حکومت عدالت و توازن در نظر گرفته نشده است.

وی خطاب به رئیس جمهور و رئیس اجرائیه گفت، در وزارت خانه و ادارات و ریاست ها تصفیه قومی صورت گرفته است و ما هرگز چنین چیزی را قبول نداریم.

سید علی کاظمی، عضو دیگر این مجلس نیز در این مورد گفت، در حکومت وحدت ملی همان طور که از نامش پیداست باید واقعاً حکومت وحدت ملی باشد، باید سردمداران حکومت درک کنند که این حکومت از میان آرزوهای مردم بیرون آمده است و حکومت به این امر مهم توجه کند.

داکتر مهدوی از مجلس خواست تا این موضوع را به صورت جدی پی گیری نموده و از مسوولان شرکت برشنا در این مورد سوال شود.

این در حالی است که شمار دیگری از نمایندگان از وجود تبعیض به گفته ی



آنان آشکار شاکمی بوده و به شدت انتقاد نمودند.

عبدالستار درزایی در این مورد گفت،

او تغییر در مسیر انتقال انرژی تحت نام «توتاپ» را یک اقدام کاملاً مشکوک خواند و از پارلمان خواست در مواردی که به تحکیم وحدت ملی و حقوق شهروندی صدمه وارد می شود، حساس باشد.

همچنین داکتر «جعفر مهدوی» دیگر عضو این مجلس نیز با انتقاد از تغییر مسیر این خط انتقال انرژی گفت، علی رغم بررسی شرکت «فیشتر جرمنی»، که تشخیص داده بود مسیر تعیین شده قبلی به صرفه بوده و مسیر مناسبی است، ولی در حرکتی پرسش برانگیز مسیر انتقال برق را از این مسیر تغییر داده اند.

وی افزود، چشم ملت و مردم افغانستان به خانه ملت (مجلس نمایندگان) دوخته شده و اگر عدالت و عدم تبعیض را نبینند، از سوی دیگر نهادهای دولتی و ارگان ها که قبلاً قطع امید شده از نمایندگان و خانه ملت نیز چنین خواهد شد.

شماری از اعضای مجلس نمایندگان روز دوشنبه در جلسه علنی مجلس تغییر مسیر خط انتقال انرژی ترکمنستان از طریق افغانستان به پاکستان و هند تحت نام «توتاپ» را پرسش برانگیز، مشکوک و خلاف منافع ملی عنوان کردند.

به گزارش خبرگزاری آوا، داکتر «عبدالقیوم سجادی» نماینده مردم غزنی در مجلس نمایندگان در این مورد گفت، عاجل ترین ضرورت افغانستان تحکیم وحدت ملی است و اگر سیاست مداران واقعاً خواهان این امر هستند، این مهم با شعار واقع نخواهد شد.

وی تأکید کرد که باید حقوق شهروندی برابر باشد، تقسیم چوکی و مواردی از این قبیل به درد نمی خورد، ایجاد نگاه درست به امور شهروندان بر اساس برابری و بر مبنای اصل حاکمیت قانون می تواند راه گشا باشد.

امضای تفاهم نامه های جدید میان ایران و سوریه



های تروریستی رژیم صهیونیستی، امریکا و آل سعود ایستاده اند.

وزیر داخله با همتای سوری خود در محل وزارت داخله سوریه دیدار و ملاقات کرد.

وزیر داخله با بیان اینکه عربستان جایگاه خود را در جهان اسلام از دست داده است و رژیم آل سعود هم اکنون یک رژیم متزلزل در میان کشورهای اسلامی است گفت: آل سعود در این چند سال خسارت های بسیار زیادی به جهان اسلام وارد کرد تا بتواند مزدوری خود را به رژیم صهیونیستی و امریکا ثابت کند، اما مردم در کشورهای مختلف جهان اسلام مقابل سیاست های آل سعود ایستادند و نقشه های آل سعود، امریکا و رژیم صهیونیستی را نقش بر آب کردند.

او با بیان اینکه عربستان خیال کرده بود تروریست ها در عرض دو ماه، سوریه را اشغال می کنند و در یمن نیز گمان می کرد

رحمانی فضلی؛ وزیر داخله ایران در بدو ورود به دمشق، همکاری های نزدیک دو وزارتخانه را در چارچوب تفاهم نامه های امضا شده، هدف اصلی سفر خود به سوریه اعلام کرد.

به گزارش خبرگزاری آوا به نقل از منابع ایرانی، رحمانی فضلی گفت: آموزش نیروی انسانی، برخورد با قاچاق انسان و همکاری های دوجانبه در زمینه های امنیت و پولیس، از جمله محورهایی است که در این سفر درباره آن با مقامات سوری مذاکره خواهیم کرد.

او از برخوردهای بی ادبانه رژیم آل سعود با کشورهای منطقه، به ویژه ایران نیز سخن گفت.